

نگاهی به چند واقعه اخیر در جامعه ایران

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

در حالی که فقر و فلاکت فزاینده زندگی را بر بسیاری از مردم ایران غیرقابل تحمل کرده است سران و تئوریسین های حکومت اسلامی ایران، هم چنان بقای خود را در تشدید سرکوب و شکنجه و اعدام می بینند. در حالی که جهل و جنایت، فساد و غارتگری تمام سران این حکومت و همه ارگان های آن را از بالا تا پایین فراگرفته است طرح وحشیانه «ارتقای امنیت اجتماعی» که در واقع اسم رمز به خطر انداختن شهروندان و تشدید رعب و وحشت برای زهر چشم گرفتن از جامعه چیز دیگری نیست دوباره نوعی حکومت نظامی اعلام نشده ای در شهرها برقرار کرده اند. علاوه بر تهدید و دستگیری گسترده زنان و جوانان در خیابان ها، به گزارش ایسنا، پلیس پس از دریافت نشانی ها، به سراغ فروشندگان و آرایشگران متخلف رفته است و سه فروشگاه لباس به دستور پلیس پلمب شده و با فروشندگان آن ها «برخورد شده است». نیروهای پلیس و جاسوسانشان در شهرها راه افتاده اند تا نشانی فروشگاه ها و افراد ارائه دهنده پوشاک، کالاها و آرایش های غربی را پیدا کنند. یعنی سران و ارگان های حکومتی که انحصار واردات انواع و اقسام کالا و اجناس فاجاق و غیرفاجاق را در انحصار خود دارند از یک سو، آن ها را در بازار توزیع می کنند و از سوی دیگر، جمع آوری می کنند تا با توزیع آن از کانال های دیگری سود چند باری به جیب بزنند. در این میان، اکثریت مردم ایران، به لحاظ اقتصادی زندگی دردناک و فلاکت باری دارند و هم به لحاظ سیاسی و اجتماعی هرگونه اعتراض بر حق شان توسط نیروهای جهل و جنایت، رعب و وحشت به شدت سرکوب می گردد. اما با این وجود کار به استخوان رسیده و دیگر کسی ترسی از رعب و وحشت حکومت ندارد. بسیاری از مردم می گویند زندگی ما و فرزندان ما که به تدریج هم چون شمعی آب می شود و از بین می رود، بگذار با سرافرازی از حق مان دفاع کنیم و با اتحاد و همبستگی طبقاتی اجتماعی، حق و حقوق مان را به زور از حلقوم جنایت کاران این حکومت جانی بیرون بکشیم.

مراججویی های جنون آمیز و انمی سران حکومت اسلامی، همواره جامعه ایران را در نگرانی محاصره اقتصادی شدیدتر و احتمال بمباران هوایی مراکز اقتصادی و نظامی و... قرار داده است. زیرا هنوز چنین اتفاقات شومی واقعیت پیدا نکرده و در سطح تبلیغات است فقر و فلاکت و گرانی و سرکوب های سیستماتیک زندگی مردم را تباه کرده است تا چه برسد محاصره اقتصادی حدی تر شود آن روز چه روزگار هولناکی در انتظار جامعه ایران است؟!

برای نمونه، خیرگزاری حکومتی فارس، درباره گرانی و تورم نوشت: در کرمانشاه در پی رواج شایعه گرانی چایی، قند و شکر صف های طولانی در فروشگاه های مختلف استان کرمانشاه تشکیل و برای خرید آن به مغازه ها هجوم آورده و متعاقب آن فروشندگان از عرضه کالاها خودداری کرده اند. فروشگاه ها قیمت این اجناس را تا ۴۰۰ درصد افزایش داده اند چایی ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰، و هرکیلو قند از ۷۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان رسیده است. خیرگزاری حکومتی مهر نیز از تیریز گزارش داده است که در پی شایعات افزایش قیمت ها قند و شکر و بعضی محصولات دیگر در سطح تیریز جمع آوری شده و فروشندگان از فروش آن خودداری می کنند...

در حالی که قیمت نفت در بازارهای جهانی بار دیگر افزایش یافته و روز سه شنبه ۲۸ خرداد ۲۰۰۸، به ۱۴۰ دلار در هر بشکه رسیده است. باز هم از این افزایش قیمت نفت، سهم اکثریت مردم ایران جز تحمل هر چه بیش تر فقر و گرسنگی و سرکوب چیز دیگری نبوده است.

در روزها گذشته چند واقعه مهم در ایران روی داده است که به عنوان نمونه هایی کارنامه سیاه حکومت اسلامی را سیاه تر نیز کرده است. این چند وقایع اخیر عبارتند از:

۱ - در تظاهراتی که روز جمعه ۲۴ خرداد ۱۲۸۷ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۸ در میدان آزادی و بلوار وکیل آباد مشهد، برگزار شد بیش از ۸ هزار نفر از مردم این شهر در اعتراض به تورم و گرانی شرکت داشتند. این تظاهرات، با یورش نیروهای سرکوبگر مواجه شد و بیش از ۲۰۰ تن از مردم، از جمله ۶ تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد نیز دستگیر شدند.

با اعلام قبلی و از ساعت ۱۱ روز جمعه، جمع گسترده و چند هزار نفری مردم مشهد در مقابل پارک ملت واقع در میدان آزادی شهر مشهد، در اعتراض به گرانی ها و مفساد اقتصادی تجمع نمودند. تجمع کنندگان خشمگین با سر دادن شعار هایی مانند «ماقیای اقتصادی افشا باید گردد»، «دولت بی کفایت استعفا، استعفا» و... خواستار استعفا یا برکناری دولت احمدی نژاد شدند.

نیروهای یگان ویژه و انتظامی، با حضور فرمانده نیروی انتظامی استان، استاندار و دیگر مسئولان استانی از ساعت ها قبل در محل تجمع حاضر بودند با مسدود نمودن هر چهار خیابان اصلی منتهی به میدان آزادی از عبور وسایل نقلیه برای ساعت ها جلوگیری نمودند. معترضان نه تنها به درخواست رییس شورای شهر مبنی بر پایان دادن به تجمع اعتراضی خود اهمیتی ندادند، بلکه بر شدت اعتراضات خویش افزودند.

حدود ساعت ۱۲، مأموران سرکوبگر یگان ویژه و لباس شخصی حاضر در محل که توسط ده ها بسیجی موتور سوار همراهی می شدند با شلیک چند تیر هوایی و با استفاده از باتوم، باتوم برقی و گاز اشک آور به تجمع کنندگان حمله کردند و اقدام به بازداشت جمع گسترده ای از حاضران در تجمع نمودند. به گزارش شاهدان عینی حاضر در محل، نیروهای بسیجی با استفاده از زنجیر، فمه، باتوم برقی و انواع گاز های اشک آور به طرز وحشیانه ای به تجمع کنندگان حمله نمودند. نیروهای گسترده حاضر در محل با جمع نمودن بازداشت شدگان در مسجد واقع در پارک ملت و پس از ضرب و شتم وحشیانه آنان در مسجد، با ده ها اتوبوس آن ها را به مکان نامعلومی منتقل دادند.

براساس گزارش های منتشر شده به پای یکی از حاضران در محل تیر اصابت نموده است. به گزارش کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر: محمد، ش، یکی از حاضران در پارک ملت می گوید که تاکنون چنین خشونت را از نیروهای امنیتی در هیچ تجمعی مشاهده نکرده است. او می گوید، «دست کم ۴ زن را دیده است که با سر و صورت خونین، بازداشت شده اند.» گفتنی است از سرنوشت بازداشت شدگان اطلاعی در دست نیست و تنها مسئولان دانشگاه از منتقل شدن دانشجویان بازداشت شده با صدور قرار بازداشت توسط دادگاه انقلاب، به زندان مرکزی مشهد خبر داده اند.

بدنبال اطلاع دانشجویان دانشگاه فردوسی از بازداشت شدن جمع زیادی از دانشجویان این دانشگاه، تجمع اعتراضی مقابل خوابگاه پسران این دانشگاه برگزار شد. حاضران در این تجمع که بیش از ۵۰۰ تن از دانشجویان گزارش شده است با سر دادن شعار «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» و «احکام انضباطی ملغی باید گردد» به سمت امور دانشجویی و از آن جا به سمت خوابگاه دختران حرکت نمودند.

با اضافه شدن دانشجویان دختر به معترضان حاضران در تجمع به بیش از هزار نفر افزایش یافت. در این تجمع مسئولان دانشگاه فردوسی حاضر شده و قول مبنی بر آزادی دانشجویان تا حداکثر روز بعد را دادند. این تجمع که از ساعات ۸ شب آغاز شده بود حدود ساعت ۱۱ شب با فرانت بیانی به طور موقت پایان یافت. دانشجویان اعلام کردند که در صورت آزاد نشدن دانشجویان زندانی مجددا تجمع خواهند نمود.

۲۲۰ تن از دستگیری شدگان تظاهرات روز جمعه ۲۴ خرداد ماه مردم مشهد علیه گرانی، هم چنان در بازداشت به سر می برند. هم چنین گفته می شود که شمار زیادی از تظاهرکنندگان زخمی شده اند که وضعیت جسمی دو تن از آنان وخیم

است و تلاش خانواده های بازداشت شدگان برای کسب اطلاع از سرنوشت آنان تاکنون بی نتیجه بوده است. فیلم تجمع اعتراضی مردم مشهد، در سایت های اینترنتی منتشر شده است.

۲- واقعه مهم دیگری در یکی از روستاهای آذربایجان روی داده است. ۱۳ خرداد ۱۳۸۷ - دوم ژوئن ۲۰۰۸، مقاومت شماری از روستاییان آذربایجان در منطقه دشت مغان، در برابر مصادره زمین هایشان، با سرکوب خونین واحدهای مسلح سپاه پاسداران مواجه شد.

در این حادثه دستکم یک نفر جان خود را از دست داده است؛ شمار زیادی نیز زخمی شدند و یا شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. روستائینی که مورد حمله وحشیانه سپاه قرار گرفته اند، از روستاهای «بیوک خانلو»، «قره داغلو»، «خلیل کندی» و «ایاز کندی» هستند. این روستاها در غرب پارس آباد و در کناره رودخانه ارس قرار دارند.

حادثه زمانی آغاز شد که افراد سپاه بدون اخطار قبلی به سوی روستائینی که در حال هدایت طیور خود به مزارع شخصی خود بودند، آتش گشودند. این مزارع که در ساحل رودخانه ارس قرار دارند، زمین های مرغوب و بسیار حاصل خیزند. سه سال پیش تلاش سپاه منطقه برای مصادره زورگویانه این مزارع ناکام ماند و دیوان عالی کشور نیز مجبور شد زمین ها را متعلق به روستائیان اعلام کند. اما افراد و ارگان هایی که برای تصاحب این زمین ها می کردند اکنون بار دیگر درصدد مصادره زمین ها روستائیان هستند. اقدام سه سال پیش سپاه نیز با درگیری خونین همراه بود. «نورالدین درگاهی»، فرزند حاجی حمزه درگاهی، از روستای قره داغلو، نخستین قربانی حمله سپاه به روستائیان است. این فرد در اثر زخم ناشی از اصابت گلوله، در محل حادثه به قتل رسید. فرد دیگر به نام «بابک مرادی»، از پارس آباد مغان، به شدت زخمی شده و احتمال داده می شود سپاه او را به یکی از بیمارستان های تبریز منتقل کرده است. خانواده این فرد از سرنوشت او و محل بستری شدنش خبری ندارند.

علاوه بر این ها، سه نفر به نام های «منصور بدلی» فرزند ذبیح الله بدلی از روستای اباژکندی، «شهریار کیانی» فرزند علی آقا از روستای خلیل کندی و «شهریار کمالی» از روستای قره داغلو به شدت زخمی شده اند. سپاه محل تنها تایید کرده این عده به بیمارستان انتقال یافته اند، اما از اعلام محل بستری شدن آن ها خودداری کرده است. افراد زیر نیز به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و زخمی شده اند:

- خانم فرح بدلی، روستای اباژکندی
- منظر بدلی، روستای سلمان کندی
- عزیزه بدلی، روستای قره داغلو
- لاله درگاهی، از پارس آباد
- خانم آهروز درگاهی، از پارس آباد
- سولماز درگاهی، از پارس آباد
- علی علی زاده، از روستای قره داغلو
- مدد اسدزاده، از روستای اباژکندی
- بهمن علی زاده از روستای قره داغلو
- افشار علی زاده از روستای اباژکندی

پس از سرکوب خونین روستائیان، افراد سپاه خودروها و موتورسیکلت های اهالی را مصادره کردند و ۳ دستگاه خودرو و ۳ دستگاه موتور سواری نیز به کلی نابود نمودند.

در حال حاضر این روستاها به طور کامل در محاصره سپاه و نیروی انتظامی قرار دارند و ارتباط آن ها با اطراف قطع شده است. فضای رعب و وحشت در این روستاها حاکم است و اهالی روستا تهدید شده اند که درباره یورش خونین سپاه پاسداران حکومت سکوت اختیار کنند.

سپاه هم چنین مانع از آن می شود خانواده ها در جستجوی اعضای مفقود و زخمی به اقدامی دست بزنند. به عنوان مثال، وقتی پدر نورالدین درگاهی (مقتول) در پی کسب خبری از جسد فرزندانش از بیمارستان محل بود، به شدت مورد ضرب و شتم عوامل سپاه قرار گرفته است.

۳- سومین واقعه در تهران اتفاق افتاده است. جمعی از مردم در اعتراض به موج گرانی ها در ایران، در پارک ملت تجمع کرده بودند با برخورد شدید نیروهای امنیتی سرکوب و حدود ۳۰۰ نفر بازداشت شدند.

براساس کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر، ساعت ۱۱:۲۰ صبح روز جمعه ۲۴ خرداد ۱۳۸۷، جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰ نفر قصد تجمع در پارک ملت را داشتند که با برخوردهای شدید لباس شخصی و بسیجی مواجه شدند. یکی از شاهدان عینی که گفته هایش در سایت ها درج شده است به نام «محمد.ش» درباره پارک ملت می گوید که تاکنون چنین خشونتی را از نیروهای امنیتی در هیچ تجمعی مشاهده نکرده است. او می گوید: «دست کم ۴ زن را دیده است که با سر و صورت خونین، بازداشت شده اند.»

سایت عصر ایران نیز از پارک ملت گزارش کرده است: در پارک ملت تهران در ساعت ۱۲ امروز تعدادی در این پارک تجمع کردند که با حضور ماموران انتظامی و امنیتی متفرق شدند.

براساس گزارش این سایت، «هم اکنون بوی شدید گاز اشک آور در فضای اطراف پارک ملت تهران به مشام می رسد و ماموران از خودروهای عبوری می خواهند ضمن بالا بردن شیشه خودرو از توقف خودداری کنند در غیر این صورت پلاک خودرو کنده می شود! گفته می شود از ساعت ۱۲ تعدادی از تجمع کنندگان توسط ماموران امنیتی بازداشت شده اند.

هم اکنون اوضاع در کنترل است و تجمع کنندگان نیز متفرق شده اند اما هم چنان ترافیک شدیدی در خیابان ولی عصر تهران مشاهده می شود و ماموران انتظامی و لباس شخصی نیز کنترل اوضاع را در دست دارند.

خبرگزاری حکومتی فارس نیز در مورد واقعه پارک ملت نوشت: «تعدادی از ارادل و اوپاش پیش از ظهر امروز به دعوت شبکه های ماهواره ای ضدانقلاب و لس آنجلسی در مقابل پارک ملت تجمع غیرقانونی برگزار کردند. تجمع کنندگان که پیش از ظهر امروز بدون مجوز قانونی و در مقابل پارک ملت اقدام به برگزاری تجمع کرده بودند با دخالت نیروی انتظامی و بازداشت تعدادی از این افراد، در حال متفرق شدن هستند...»

براساس گزارش ها، در حمله نیروهای سرکوبگر به تجمع اعتراضی در تهران، دست کم ۲۰۰ نفر را در پی داشت. رییس کل دادگستری استان تهران نیز در نشست مطبوعاتی روز شنبه ۲۵ خرداد ماه، اجتماع روز جمعه در خیابان ولی عصر را تایید کرد و از دستگیری ۲۰۰ تن در این میان خبر داد. علیرضا آوایی گفت نیت، شخصیت، انگیزه، نوع برخورد و نوع همکاری افراد در تصمیم گیری فضای در قبال بازداشت شدگان موثر است. وی افزود که ظرف یک هفته تکلیف افراد بی گناه و کم گناه روشن خواهد شد.

۴ - در شهرک پونک تهران، جمعه ۲۴/۳/۱۳۸۷، مردم معترض با سردادن شعارهایی علیه حکومت اسلامی، اعتراض خود را نسبت به سیاست های چپاولگرانه دولت بر علیه مردم محروم اعلام داشتند. بنا به گزارش های منتشر شده یکی از شاهدان صحنه تظاهرات به «فریاد کارگر» گفت: «حدود ۲۰۰۰ نفر از مردم شهرک پونک که شامل تمام اقشار فرهنگی، کارگران، جوانان، زنان و دانشجویان می شدند تظاهرات سراسری برگزار کردند. مردم در این حرکت با هم متحد بودند و یک صدا فریاد می زدند و شعار می دادند. نیروهای انتظامی به مردم یورش بردند و آن ها را مجروح ساختند. ۱۰ نفر دستگیر شده و به مکان نامعلومی منتقل گردیدند. علت این تظاهرات تورم بیش از حد و فشارهای معیشتی گزارش شده است.

۵ - پنجمین واقعه مربوط به اعتراض دانشجویان دانشگاه زنجان است. به دنبال نقشه «حسن مددی»، معاون دانشجویی دانشگاه زنجان برای تجاوز به یک دختر دانشجو، ۲ هزار دانشجوی دانشگاه زنجان دست به تحصن و اعتراض زدند. دانشجویان دانشگاه زنجان در جریان تحصن خود خواستار برکناری یا استعفا رنيس دانشگاه، برکناری و برخورد قضایی با «حسن مددی»، لغو امتحانات تا زمان ادامه تحصن و عدم برخورد با متحصنین هستند و بر ادامه اعتراض تا دست یابی به خواست هایشان تاکید دارند.

شنبه شب ۲۵ خرداد ماه، رسانه های دانشجویی گزارش دادند که دانشجویان دانشگاه زنجان معاون فرهنگی و دانشجویی این دانشگاه به نام حسن مددی را در حال مجبور کردن یکی از دختران دانشجو به برقراری رابطه با او در اتاق کارش غافلگیر کرده و از صحنه ورود به اتاق فیلم برداری کرده اند.

هم چنین گزارش شده است که این دختر دانشجو نیز پیش از ورود دیگر دانشجویان به اتاق صدای این استاد را ضبط کرده است. مددی استاد دانشکده ادبیات دانشگاه زنجان و در حال حاضر معاون فرهنگی و دانشجویی این دانشگاه است.

نوید نوری فر، روابط عمومی شورای متحصنین دانشجویان دانشگاه زنجان، در گفتگو با بخش فارسی بی بی سی گفته است: «طبق گزارش ها پس از این واقعه که حدود ۷ شب شنبه رخ داد، بیش از دو هزار نفر از دانشجویان دانشگاه زنجان در دانشگاه حاضر شده و در سالن ورزش این دانشگاه تحصن کردند... در روز یکشنبه کنترل دانشگاه کاملا در دست دانشجویان متحصن است و از ورود اساتید و کارکنان و مسئولان دانشگاه، جز مسئولان بهداری و سلف سرویس، جلوگیری می شود. هم چنین امتحانات روزهای یکشنبه و دوشنبه دانشگاه زنجان لغو شده است.

خبرگزاری برنا، وابسته به سازمان ملی جوانان حکومت اسلامی نیز از قول مددی و درباره علت تحصن دانشجویان دانشگاه نوشته است: «روابط عمومی دانشگاه باید پاسخگو باشد و من در حدی نیستم که به این نوع سوالات جواب دهم». مددی در گفتگو با خبرگزاری برنا، هم چنین تعطیل شدن دانشگاه و لغو امتحانات را تایید کرده است.

روزنامه کیهان، در واکنش به رسوایی اخلاقی گسترده در سطح مدیران دانشگاه ها، که از سال گذشته این قضیه در دانشگاه کرمانشاه، سهند و اخیرا زنجان شکل رسانه ای به خود گرفته است، اتهام اخلاقی را متوجه دختر دانشجویی که مورد سوء استفاده یکی از مدیران دولت احمدی نژاد قرار گرفته، دانسته و نوشته است: «سرمایه گذاری دشمن برای انحطاط اخلاقی یکی از معاونان دانشگاه زنجان، زمینه آشوب را در این دانشگاه ایجاد کرد...»

خبرنامه دانشجویی امیرکبیر، روز سه شنبه، ۲۸ خرداد ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۷ ژوئن ۲۰۰۸، خبر داد که مسئولین دانشگاه به جای برآورده کردن مطالبات به حق دانشجویان وارد فاز تهدید آن ها شده اند. طبق اخبار رسیده روز گذشته مسئولین دانشگاه زنجان طبق نامه ای که به رویت دانشجویان رسانده اند، مدعی شده اند حکم اخراج نزدیک به ۲۰ نفر از فعالین دانشجویی به سبب افشای رسوایی اخلاقی معاون دانشجویی این دانشگاه توسط وزارت علوم صادر شده است.

هم چنین صبح امروز خبر رسید که نیروهای امنیتی، نیروهای انتظامی و گارد ویژه اطراف دانشگاه را محاصره کرده اند و بیم بازداشت گسترده دانشجویان می رود. دانشگاه زنجان همچنان در وضعیت ملتهبی به سر می برد.

رنيس دانشگاه جهت قطع ارتباط دانشجویان معترض با محیط بیرون، اینترنت دانشگاه را قطع کرده است. تلفن های همراه نیز در دانشگاه زنجان دچار اختلال شده است. در همین رابطه مدیر کل روابط عمومی وزارت علوم، روز گذشته با تمجید از ریاست دانشگاه زنجان وی را یکی از «روسای خوب» دانشگاه های کشور دانسته و ضمن تهدید دانشجویان گفت: «از نظر وزارت علوم امتحانات باید در برنامه زمانی خود برگزار شود و برخی از افرادی که از برگزاری امتحانات جلوگیری می کنند، به دنبال تشنج آفرینی در دانشگاه ها هستند که با آنها برخورد قانونی لازم صورت می گیرد.»

گفته می شود که ارگان و رسانه های حکومتی برای سرکوب دانشجویان زنجان زمینه چین می کنند. هم زمان با انتشار اخبار مشابهی در رسانه های نزدیک به دولت احمدی نژاد علیه دانشجویان متحصن دانشگاه زنجان، سپاه پاسداران نیز روز سه شنبه در بولتن داخلی خود ادعا کرد که «گروه های ضد انقلاب خارج از کشور در روزهای اخیر به زمینه سازی برای تحریک دانشجویان در مجامع دانشگاهی روی آورده اند.»

بولتن «تحلیل روز» که از سوی نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه منتشر می شود، ضمن حمایت از معاون دانشجویی دانشگاه زنجان که گفته می شود قصد تجاوز به یک دختر دانشجو را داشت، ادعا کرد: «افراطیون دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه زنجان با ادعای ارتباط غیر اخلاقی یکی از معاونین دانشگاه با دختری دانشجو، فضای آنجا را متشنج کرده و در حال گسترش به سایر دانشگاه ها هستند.»

ننشریه روزانه سپاه پاسداران هم چنین نوشته است: «رسانه ها و گروه های سیاسی که در سال های گذشته در استفاده از پتانسیل دانشجویان برای اجرای خواسته های خود ناتوان بودند اکنون با استفاده از اهرم های مسائل صنفی دانشجویی و یا ایجاد تله های اخلاقی به دنبال به آشوب کشیدن فضای دانشگاه ها هستند.»

قبل از این نیز دانشجویان دانشگاه سهند و دانشجویان دانشگاه تربیت معلم کرج و دانشگاه بوعلی سینا در همدان، با اعتصاب و اعتراض بکیر خود خواست هایشان را به مسئولین این دانشگاه ها تحمیل کرده بودند.

مبارزه دانشجویان دانشگاه تربیت معلم کرج، یکی از گسترده ترین و موفق ترین مبارزات دانشجویان در دانشگاه های کشور است. این دانشجویان، خواستار برکناری معاونت امور فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه، رسیدگی به وضعیت غیرقابل قبول غذا، رسیدگی به وضعیت نامناسب سرویس های اموز و رفت، رسیدگی به وضعیت بد خوابگاه ها، تخریب نکردن کتابخانه پسران، لغو احکام انضباطی صادر شده برای هشت تن از دانشجویان متحصن، برکناری معاونت آموزشی دانشگاه و عذرخواهی کتبی ریاست دانشگاه از دانشجویان و خانواده های آنان به دلیل اتهامات واهی، و نیز به تعویق افتادن برگزاری امتحانات پایان ترم تحصیلی شده بودند که همگی آن ها از سوی ریاست دانشگاه، پذیرفته شد و به این ترتیب، اعتصاب آنان با موفقیت به پایان رسید.

۶- دبیر کمیته تحقیق و تفحص قوه قضائیه «عباس پالیزدار» روز شنبه ۱۴/۲/۸۷ در جمع دانشجویان همدانی پاره ای از مفاسد اقتصادی پشت پرده حکومت را البته در رابطه با کمشکش جناح افشا کرد. وی از جمله گفته است:

- یکی از آقایان علما آمد گفت یک پسر معلول جسمی دارم و می خواهم یک موسسه توانبخشی بسازم که پسر هم زیر نظر خودم باشد. ما هم موسسه را ثبت کردیم. بعد آمد گفت که اقا من سابورت مالی می خواهم فلان معدن سنگ دهید فارس را که بهترین معدن سنگ دنیا است به من بدهید. بعد از چند وقت گفت کم است معدن دیگری در زنجان را هم به من واگذار کنید و تا به حال این اقا چهار معدن را تصاحب کرده به بهانه سابورت یک موسسه توانبخشی. در این زمان دانشجویان با اصرار خواستند که نام این شخص چیست. پالیزدار گفت آیت الله امامی کاشانی (عضو شورای نگهبان و یکی از ۴ امام جمعه موقت اما پای ثابت تهران)

- آیت الله... آمدند نزد مقام رهبری گفتند که می خواهیم یک دانشگاه قضایی بسازیم برای خواهران در قم. مجوز داده شد. بلافاصله بعد از مجوز رفتند سراغ سابورت مالی که بله کارخانه لاستیک دنا را مجوزش را بدهید. اقای نعمت زاده هم گفت کارخانه را در ازای ۱۲۶ میلیارد به شما واگذار می کنیم. در حالی که قیمت واقعی آن ۶۰۰ میلیارد بود. بعد این آقایان نامه نوشتند به نعمت زاده که تخفیف منظور فرمایید. بعد از بارها نامه نگاری برای گرفتن تخفیف، قیمت را از ۶۰۰ میلیارد واقعی به ۱۰ میلیارد رساندند. باز آقایان گفتند که ما پول نداریم. ۸۰ درصدش را به اقساط می پردازیم. نعمت زاده قبول کرد. دوباره گفتند بیست درصد بقیه را هم الان نداریم بعد از فروش مستغلات کارخانه می پردازیم. خوب به همین راحتی آقای آیت الله کارخانه را صاحب شد و بعد از مدتی هم این کارخانه را در بورس فروخت.

- خوب مجدداً آقای آیت الله بزدی نامه ای می نویسد برای آقای فروزش وزیر صنایع که پسر حمید بیکار است. ترتیبی فرمایید از جنک های شما در جهت صادرات چوب بهره مند شود. جالب است که حمید بزدی در این زمان در قوه قضائیه مدیر

کل بود. یعنی بی کار نبود. و به این صورت جنگل های شمال را به تاراج بردند. بعد رفتند مردم بومی شمال را که حالا شاید به اندازه هیزمیشان چوب انبار کرده بودند بازداشت کردند که باعث شلوغی جلوی زندان در شمال شد.

- کارخانه ایران خوردن بدون هیچ ضابطه ای به قضات قوه قضائیه ماشین پرشیا را به نصف قیمت داد و بقیه اش را هم به اقساط که خیلی که ماشین به نامشان شد این قسط را هم نپرداختند. اما همین بذل و بخشش باعث شد صدای خیلی ها در بیاید. مثلا یکبار به بنیادی که نام بنیاد نهج البلاغه آمد گفت که اقا ما هم ۵۰۰ تا ماشین با این تسهیلات می خواهیم. حالا فکر می کنید چه کسانی هستند اعضای این بنیاد نهج البلاغه. آقای علی اکبر ناطق نوری. رفیق دوست. عسکر اولادی. حسین دین پرور. معزی

- بعد از این ماجرا باشگاه پرسپولیس به سرپرستی عابدینی و بنیادی که نام همگرایی اندیشه هم صدایشان در آمد که اقا ما هم از این ماشین ها می خواهیم. لازم به گفتن است که بنیاد «همگرایی اندیشه» متعلق به حجت الاسلام فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات و آیت الله علم الهدی امام جمعه حجاب پرور مشهد است.

- دوازده معدن بزرگ در خراسان متعلق به آیت الله واعظ طبسی است و پرونده المکاسب هم که مربوط به افزایش واعظ طبسی است.

- قاچاقچی بزرگ فرودگاه پیام که هزار و صد پرونده قاچاق کالا دارد اما هنوز موفق به بازداشتش نمی شدیم چرا که تحت الحمايه افای ناطق نوری بود.

- در مورد قاچاق سیگار و اینکه اساسا تولید و قاچاق سیگار تولید توتون ایران را فلج کرده و کارگران این کارخانه ها را بیکار. موضوع مهم دیگر که او اشاره کرد در مورد سقوط دو هواپیما و دلایلش بود. یکی شهید کاظمی و دیگری شهید دادمان. در مورد دادمان ماجرا عمدی بود. پرونده ای هزار صفحه ای این را می گوید. اما در مورد سقوط هواپیمای شهید کاظمی (فرمانده سابق نیروی زمینی سپاه که حدود دو سال پیش هواپیمایش در غرب ایران سقوط کرد) شهید کاظمی معدن خاک سرخ هرمز را که متعلق به آیت الله خزعلی بود به علت تخلفات مسدود کرد. بعد از این ماجرا هواپیمایش سقوط کرد. البته صد در صد مشخص نیست که سقوط هواپیما عمدی بوده یا نه!

- در مورد سلطان شکر و مافیای شکر باید بگویم که آن ها حاضر بودند ۷۰۰ میلیارد بدهند که پرونده را از زیر ضرب بیرون ببرند. در مافیای شکر «مدلل» کارگزار و داماد یکی از علمای اعلام (آیت الله مصباح بزدی و یا مکارم شیرازی) است.

- یک سوم جزیره کیش- پارک جنگلی چیتگر به پرونده مفاسد اقتصادی خانواده هاشمی بر می گردد. در حال حاضر پول هندوانه مصرفی اصطلح اسب های دختر هاشمی روزی ۱۰۰ هزار تومان است. شرکت نفتی این خانواده به همراه عمه خانم یعنی خواهر هاشمی در کانادا را هم دیگر که قابل گفتن نیست.

پسر وسطی هاشمی به نام مهدی که در سازمان مدیریت بهینه سوخت مدیریت می کرد با استخدام زیباترین دختران از آن ها سوء استفاده هایی می کرد که فیلم آن از اتاق او کشف شد.

پالیزدار، که از پشتیبانی احمدی نژاد برخوردار بود پس از گذشت چند روز از این افشاگریش، بازداشت شد. علیرضا حمشیدی، سخنگوی قوه قضائیه حکومت اسلامی، در نشست خبری در جمع خبرنگاران گفت: پالیزدار به اتهام توهین و اهانت علیه مسئولان و پخش شایعه و نشر اکاذیب و سوء استفاده توسط مدعی العموم تحت تعقیب قرار گرفته و در تحقیقات اولیه مشخص شد که وی با تعدادی دیگر از همدستان خود با نفوذ در برخی از ارگان ها با پوشش تحقیق و تفحص از قوه قضائیه، اسناد طبقه بندی شده و ارزیابی نشده و گزارش های مردمی بی نام و نشان را از سیستم های دولتی خارج کرده و چند هزار اوراق این چنینی را در استان های مختلف مخفی کرده است. وی تصریح کرد: پالیز دار از سوی یکی از نمایندگان خانم مجلس به بازرسی کل کشور به عنوان دبیر هیئت تحقیق و تفحص و به عنوان دکتر معرفی شده است اما در سوابق تحصیلی وی مشخص شد که مدرک فوق لیسانس و دکترای وی کمتر از ۵ روز قبل از سوی دانشگاه خارجی خریداری شده و با این مدرک توسط دو نماینده به مجلس معرفی شده و به صورت قرار دادی در خدمت هیئت تحقیق و تفحص بوده و پولی که دریافت می کرده با عنوان مدرک دکترای بوده است. سخنگوی قوه قضائیه خاطر نشان کرد: تاکنون حکم بازداشت ۱۱ نفر در ارتباط با پرونده پالیزدار صادر شده که ۶ نفر از آنان بازداشت شده اند و این تعداد از کسانی هستند که برخی از آنان مقام دولتی داشتند.

شهاب نیوز، در مورد ماجرای پالیزدار، نوشت: در پی اظهارات موهن و هدفدار «عباس پالیزدار» که به بازداشت وی انجامید؛ منزل فاطمه آجرلو نماینده مجلس هفتم و هشتم که یکی از اعضای کمیته تحقیق و تفحص از قوه قضائیه بود و همکاری پالیزدار با این هیات به دعوت او آغاز شد، مورد بازرسی ماموران قضایی قرار گرفت. به گزارش خبرنگار شهاب نیوز، این بازرسی با حکم قضایی سعید مرتضوی دادستان تهران در حدود ساعت ۲۲ شب و با هدف کشف اسناد و مدارک تحقیق تفحص صورت گرفته است.

۷- سفر خاور سولانا، وزیر خارجه اتحادیه اروپا به ایران، یکی از مهم مهم هفته گذشته بود. وی، بسته پیشنهادت جدید اتمی به ایران را به سران حکومت اسلامی تحویل داد. در بسته پیشنهادی به توقف غنی سازی اورانیوم تاکید شده است. مساله ای که سران حکومت اسلامی همواره آن را رد کرده اند. احتمالا این آخرین تلاش دیپلماتیک پرونده اتمی ایران است. زیرا رد آن تحریم اقتصادی شدیدتری را به نبال خواهد داشت و آمریکا و اسرائیل بار دیگر به مباراتن تاسیسات اتمی و نظامی ایران به عنوان یک گزینه تاکید کرده اند.

بسته پیشنهادی که از سوی پنج عضو دائم شورای امنیت به علاوه آلمان تنظیم شده و علنی شد، پیشنهاد کمک در ساخت راکتور «آب سبک»، تضمین قانونی در تدارک سوخت هسته ای، همکاری در مدیریت پسماند های سوخت و مواد راند رادیواکتیو را در ازای تعلیق غنی سازی و بازرآوری اورانیوم ارائه کرد.

در بسته پیشنهادی که از سوی خاور سولانا تسلیم ایران شده، پیشنهاداتی در زمینه کنار گذاشتن تمامی محدودیت های تجاری با ایران شامل صادرات قطعات یدکی هواپیما برای صنایع شدیداً نیازمند هواپیمایی ایران، و حمایت از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مدنظر قرار گرفته است.

سخنگوی محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، این شرط را به عنوان «غیرقابل پذیرش» و موردی که «به هیچ وجه قابل بحث نیست» رد کرده است.

الته حکومت اسلامی هنوز پاسخ رسمی به بسته پیشنهادی که توسط خاور سولانا رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا و گروهی از دیپلمات های ارشد بین المللی همراه او ارائه شده است، نداده است. علی لاریجانی، رئیس مجلس حکومت اسلامی ایران، گفته است: «مجلس به دقت بسته را بررسی خواهد کرد.»

۸- حکومت اسلامی ایران، نزدیک به ۷۵ میلیارد دلار سرمایه ذخیره شده خود را که در بانک های اروپایی قرار داشته، خارج کرده است. هفته نامه شهروند امروز، چاپ تهران، یکی از نشریات وابسته به جناح «دوم خرداد» حکومت است در گفتگویی با محسن طلائی، معاون وزارت امور خارجه در امور اقتصادی به نقل از وی نوشته است: «بخشی از این پول به طلا تبدیل می شود و بخشی از آن نیز در بانک های آسیایی ذخیره خواهد شد.»

روزنامه اعتماد ملی، روزنامه مهدی کروبی، رئیس سابق مجلس شورای اسلامی هم گفته های طلائی را نقل کرده اما به جزئیات بیش تری اشاره نکرده است.

هر دو خبر به گفته های محسن طلائی، در روزهای گذشته باز می گردند که از خارج کردن دارایی های ایران از بانک های اروپایی خبر داده بود، اما وی هیچ واکنشی دیگری به خبر منتشر شده نشان نداده است.

برخی تحلیل‌ها دلیل این کار را مقابله پیشاپیش با توقیف‌ها و تحریم‌های بانکی احتمالی علیه ایران در اروپا عنوان می‌کنند.

روز شنبه گذشته، شش کشور موسوم به شش کشور قدرتمند جهان یا گروه پنج به علاوه یک که طرف گفتگوهای اتمی با ایران هستند، بسته جدید مشوق‌های اقتصادی و سیاسی در قبال «تعطیل غنی‌سازی اورانیوم در زمان مذاکره» و «اعتماد سازی در زمینه برنامه اتمی» به ایران ارائه کردند. هنوز حکومت اسلامی پاسخ رسمی به این بسته نداده اما پیشاپیش تعطیل غنی‌سازی را رد کرده است.

جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا پیشاپیش از رد پیشنهاد جدید غرب به علاوه چین و روسیه ابراز تاسف کرده است. ایالات متحده خواهان شدت بخشیدن بر تحریم‌های علیه حکومت اسلامی در صورت رد رسمی پیشنهادهای جدید است.

در آخرین سفر رسمی جرج بوش به اروپا، ایران یکی از موضوعات اصلی گفتگوهایش با سران کشورهای اروپایی بوده است.

پیش از این، روابط تجاری با بانک‌های دولتی ایران، از جمله سپه، ملت، تجارت و برخی بانک‌های خصوصی ایران تحت فشار آمریکا محدود نشده بود، اما اتحادیه اروپا تاکنون رسماً هیچ یک از بانک‌های ایران را تحریم نکرده است.

هنوز صحبت از توقیف مالی حساب‌های ایران در اروپا نیست اما خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از حکومت اسلامی خواسته است تا هر چه سریع‌تر به بسته پیشنهادی غرب در باره برنامه اتمی اش پاسخ دهد.

از سوی دیگر، رهبران آلمان، ایتالیا، فرانسه و بریتانیا در سفر جورج بوش به کشورهایشان، آمادگی خود را برای تشدید فشارهای اقتصادی بر ایران در صورت رد بسته پیشنهادی ۱+۵ اعلام کرده‌اند.

مطبوعات ایتالیا از قول سیلویو برلوسکونی، نخست‌وزیر این کشور گزارش داده‌اند که وی در دیدار با جورج بوش سخنانی از او درباره برنامه هسته‌ای ایران شنیده که ترجیح می‌دهد مجبور به شنیدن آن‌ها نشود.

طبق این گزارش‌ها آقای برلوسکونی، رئیس‌جمهور آمریکا را در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران بسیار جدی و مصمم یافته و آرزو کرده است که مذاکرات با ایران متوقف نشود چرا که در غیر این صورت، وضع بسیار وخیم خواهد شد.

جرج بوش از کنار گذاشتن گزینه استفاده از قدرت نظامی تا پیش از زمان ترک مقام خود در ژانویه آینده نیز خودداری می‌کند.

مقامات اسرائیلی اعلام کرده‌اند که ممکن است کشورشان به جای پذیرفتن وجود یک رقیب هسته‌ای در منطقه، به اقدام نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران دست بزنند.

بنا به گزارش لوموند از سخنان بوش در لندن - سه شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۷ - ۲۰۰۸/۰۶/۱۷، جورج بوش در لندن، پس از دیدار و گفتگو با گوردون براون، نخست‌وزیر انگلیس، طی سخنانی اظهار داشت: «خواست ایران برای دست‌یابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز یک خواست قانونی است.» با این همه بوش خاطرنشان کرد که برای وادار کردن ایران به تعلیق برنامه هسته‌ای جنجال برانگیز هیچ گزینه‌ای را از نظر دور نخواهد داشت.

وی ابراز امیدواری کرد که این بحران از طرق سیاسی حل شود: «اکنون زمان آنست که همه با هم برای نیل به این مقصود کار کنیم. ولی باید خاطر نشان کنم که همه گزینه‌ها روی میز است.»

گوردون براون، نخست‌وزیر انگلیس هم اظهار داشت که اتحادیه اروپا به زودی در مورد تحریم‌های جدید علیه تهران، به خصوص مسدود کردن دارایی بانک‌های ایرانی به اجماع نظر خواهد رسید «انگلیس امروز دوشنبه، با اتحادیه اروپا برای توافق در مورد تحریم‌های جدید علیه ایران تماس خواهد گرفت.» وی اضافه کرد که «امروز ما حرکت خود را با تصمیم‌گیری در مورد مسدود کردن دارایی‌های بزرگ‌ترین بانک ایران یعنی بانک ملی شروع خواهیم کرد.»

ایران قاعداً باید به زودی پاسخ پیشنهاد قدرت‌های غربی را بدهد اما حاضر نشده است در صورت ادامه مذاکرات از غنی‌سازی اورانیوم دست بردارد... (لوموند ۱۶ ژوئن ۲۰۰۸)

شایان ذکر است که قبل از این‌ها، یوشکا فیشر، وزیر سابق امور خارجه آلمان نیز به رادیو فردا گفته بود که محور اصلی دیدار رئیس‌جمهوری آمریکا از اسرائیل، موضوع عملیات نظامی علیه ایران بود.

اگر به این وقایع نمونه‌هایی از ادامه اعتصاب کارگران را نیز اضافه کنیم با این واقعیت روبرو می‌شویم که جامعه ایران در حال جوش و خروش است. نمونه‌هایی از اعتصاب و اعتراض کارگران که هنوز هم ادامه دارند عبارتند از:

- هزاران کارگر شرکت نیشکر هفت تپه، صبح امروز سه شنبه ۲۸ خرداد ۲۰۰۸، در ادامه اعتراضات ۲ ماهه خود، همراه با خانواده‌هایشان جاده اهواز به اندیمشک را مسدود کردند.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و خانواده‌هایشان با سردادن شعارهای «حقوق ماهیانه حق مسلم ماست»، «معیشت و زندگی حق مسلم ماست»، «کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه»، بی‌توجهی به مشکلاتشان را محکوم کردند.

هم زمان با ادامه اعتراضات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، ماموران انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی با استفاده از ماشین‌های آب پاش کارگران و خانواده‌هایشان را محاصره کردند.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه خواستار ایجاد سندیکای مستقل کارگری، پرداخت ۲ ماه حقوق معوقه و پایان دادن به احضار و تهدید فعالین کارگری هستند و بر ادامه اعتراضات تا دستیابی به خواست‌های خود تاکید دارند.

- کارگران معدن «چیروک» در شهرستان «طیس» در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود دست از کار کشیدند. این کارگران، خواستار پرداخت مطالبات معوقه و هم چنین اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و برخورداری از مزایای این طرح هستند.

- کارگران معادن سنگ شهر «سنگان» در اعتراض به برداشت غیرمجاز سنگ آهن از سوی یک شرکت خصوصی و عدم پرداخت حقوق آنان از سوی این شرکت، دست به تجمع زدند. لازم به ذکر است که طی روزهای اخیر دو تن از کارگران شاغل در معادن سنگ شهر سنگان بر اثر حادثه محل کار جانانشان را از دست داده‌اند.

- در حالی که اعتصاب هزاران کارگر کوره‌های آجرپزی ارومیه وارد بیستمین روز خود شد، از روز جمعه ۲۴ خرداد ماه ماموران انتظامی و لباس شخصی به حضور خود در کوره‌های آجرپزی افزوده و ۲۴ کارگر را بازداشت کرده‌اند. ماموران یگان ویژه نیز وارد برخی کوره‌ها شده و کارگران را با توسل به زور وادار به ادامه کار و شکستن اعتصاب کرده‌اند. روز سه شنبه ۲۸ خرداد ماه، ۲۴ کارگر بازداشت شده در جریان یورش ماموران انتظامی به اعتصاب کارگران کوره‌های آجرپزی ارومیه آزاد شدند.

- ۱۳۰۰ کارگر شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران، امروز سه شنبه ۲۸ خرداد ماه برای دومین روز متوالی در مقابل استانداری فارس دست به تجمع زدند و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. کارگران شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران، که ۴ ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده‌اند، خواستار پرداخت مطالبات و هم چنین برکناری برخی از مدیران این شرکت هستند.

- بیش از ۲۰۰ نفر از معلمان بازنشسته استان خراسان در مقابل سازمان آموزش و پرورش این استان در شهر «مشهد» دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند. معلمان بازنشسته استان خراسان در جریان تجمع خود ضمن

اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و پائین بودن حقوق خود، خواستار رسیدگی و توجه مسئولین دولتی به وضعیت زندگی معلمان بازنشسته شدند.

امروز اکثریت مردم ایران به خوبی می دانند که همه سران، وزرا، نمایندگان، سرداران سپاه و بسیج، فرماندهان نظامی و انتظامی، امام جمعه ها، استانداران، فرمانداران و همه جناح ها و مقامات و مسئولین ریز و درشت حکومت اسلامی، هر کدام در جایگاه خود، در ترویج و سازمان دهی جهل و جنایت، تجاوزگری و غارتگری سهیم هستند. سردار زارعی، فقط یک نمونه از این جنایت کاران است که در رقابت جناح های حکومتی و برملا شدن جنایت اش در جامعه، برای این که حینت «نظام» حفظ شود چند ماهی او را زندانی کردند و سپس آزادش کردند. در حالی که اگر یک شهروندی عادی در شرایطی که این سردار دستگیر شد دستگیر می شد بلافاصله اعدام می گردید. سردار زارعی تاکنون فرماندهی ضرب و شتم و تجاوز و شکنجه و اعدام انسان های بی شماری را بر عهده داشته است. وی، دستور دستگیری کسانی را صادر کرده است که اعدام شده اند. وی، فرمانده متجاوز و تبهکار نیروی انتظامی که با شش زن لخت در خانه ای در تهران دستگیر شده بود، به گفته سید علیرضا آوایی، رئیس کل دادگستری تهران آزاد شده است. آوایی، در جمع خبرنگاران آزادی زارعی را چنین توجیه کرده است: «عمده اتهامات فرمانده سابق نیروی انتظامی استان تهران مربوط به اتهام های کیفری و اخلاقی بود که با ارائه مدارک و مستنداتی از سوی وی دلایل موجود برای محکومیت کفایت نکرد.»

گفتنی است که سردار زارعی، فرمانده سابق نیروی انتظامی، مسئول اصلی طرح سرکوب های خیابانی تحت عنوان «مبارزه با ارادک و اوباش» بود و در چهارچوب این طرح به سرکوب وحشیانه زنان و دستگیری های گسترده جوانان اقدام کرد. تیم های پیراهن سیاه تحت هدایت او با زدن نقاب بر چهره با ضرب و شتم شدید جوانان و انداختن آفتابه به گردن آن ها موجی از وحشت و ترور به راه انداخته بودند. به اقرار آوایی، در پاسخ به پرسش خبرنگاری فارس حداقل سه تن از جوانانی که توسط تیم سرکوب های خیابانی سردار زارعی دستگیر شدند حکم اعدام گرفتند. وی در مورد این دستگیر شدگان گفت: «سه مورد از این افراد که تجاوز به عنف داشتند دادگاه حکم اعدام صادر کرده است و برای بعضی از پرونده ها نیز که بنای به عنف اثبات نشده بود دادگاه کیفری استان موضوع را به دادگاه جزایی ارسال کرده است.»

اگر روزی برسد که جامعه قادر به باز کردن پرونده «سرداران» باشد بی شک اکثریت آن ها پرونده سیاه تری از زارعی داشته و ده ها هزار شاکی خصوصی خواهند داشت.

این نمونه ها نشانه هایی از رشد و گسترش اعتراضات توده ای و هراس سران حکومت اسلامی را به نمایش می گذارند. و هم چنین ما را با این واقعیت روبرو می کنند که صبر و حوصله و توان اکثریت مردم ایران، در مقابل تورم و گرانی، رعب و وحشت و سرکوب سیستماتیک حکومت اسلامی به مرحله غیرقابل تحملی رسیده است. از این رو، احتمال این که در آینده نه چندان دور، این اعتراضات و اعتصابات رشد و گسترش بیش تری یافته و شورش های شهری اجتناب ناپذیر باشد دور از انتظار نیست.

شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور روزبروز عمیق تر و ابعاد فاجعه بار آن گسترده تر می شود؛ حمله به شهروندان و رسوا کردن آن ها در جامعه و به ویژه یورش به طبقه کارگر و مردم محروم و زحمت کش فزونی یافته است؛ دانشجویان دانشگاه ها نیز از سانسور و سرکوب مستثنی نیستند. در چنین موقعیتی، تنها راه رهایی از حاکمیت خونین دشمنان آزادی و حرمت و موجودیت انسانی، مبارزه متحد و متشکل و همکار و هماهنگی اعتصابات و اعتراضات جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و حمایت و پشتیبانی همه جانبه مردم از این اعتراضات است. از این طریق نه تنها می توان گام به گام مطالبات اقتصادی و اجتماعی را به مسئولین امر و حکومت اسلامی تحمیل کرد، بلکه زمینه را نیز برای تحولات سرنوشت ساز در جهت رهایی قطعی از شر این حکومت فراهم ساخت.

مسلم است که در چنین شرایطی، فعالین جنبش کارگری، زنان، دانشجویان، اعتصابات و اعتراضات و شورش های مردم جان به لب رسیده و نشنه آزادی هم چون شورش مردم مشهد و تهران را به سمتی هدایت کنند که از یک سو، مورد سوء استفاده و بهره برداری جنایات های رقیب حکومتی قرار نگیرند باید کلیت این حکومت زیر سؤال برده شود و از سویی با طرح شفاف تر خواست های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، با طرح شعارهای عمومی تری هم چون آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو هرگونه شکنجه و اعدام و سنگسار، آزادی بیان و تشکل و اعتصاب، لغو آپارتاید جنسی، لغو کار کودکان، پرداخت بیمه بیکاری به همه بیکاران و... نیروی انسانی بیش تری به این تجمعات کشیده شود تا نیروهای سرکوبگر حرات حمله به آن را نداشته باشند.

۲۸ خرداد ۱۳۸۷ - ۱۷ ژوئن ۲۰۰۸